



یادداشت

انجام پرهزینه ترین خاک سپاری به حساب مردم

صادق کار



تدارک پرهزینه و تجملاتی خاک سپاری علی خامنه‌ای که از چند هفته پیش شروع شده همچنان ادامه دارد. اخبار مربوط به آن بخشهای زیادی از رسانه های حکومتی را بخود اختصاص داده است.

این مراسم تا روز سه شنبه ۱۶ تیر ما که گفته‌اند خاک سپاری خامنه‌ای در شهر مشهد انجام خواهد شد ادامه پیدا خواهد کرد.

در این مدت جنازه رهبر حکومت قرار است در تعدادی از شهرهای مختلف کشور و همچنین در شهرهای کربلا و نجف گردانده شود و در پایان در مشهد به خاک سپرده شود. نا گفته پیداست که هزینه های نجومی این نمایشات تبلیغاتی و غیر لازم از صندوق دولت پرداخت خواهد شد و چند روز عملاً فعالیتهای اقتصادی کشور که آن هم به نوبه خود هزینه های بیشتری دارد تعطیل و نیمه تعطیل خواهد شد.

همچنین عده زیادی مهمان برای شرکت در مراسم علی خامنه‌ای از کشورهای مختلف در مراسم رسمی شرکت خواهند کرد

اختصاص چنین بودجه کلانی برای این مراسم در شرایطی انجام می گیرد که میلیونها شهروند آنقدر در فقر و تنگدستی بسر می برند که توان مالی خرید دارو و نان و بسیاری از کالاهای ضروری مورد نیاز خود را ندارند.

دولت چند ماه حقوق به کارگران شهرداری ها و کارگران بدهکار است و حقوق های بازنشستگان را به موقع پرداخت نمی کند.

نمی‌خواهم بگویم با هزینه های چنین مراسم هایی می شود همه ی مشکلات را رفع کرد، اما حتی اگر مردم این همه مشکل هم نداشتند، اساساً صرف چنین بودجه و تبلیغاتی برای مرگ یک نفر نه با هیچ منطقی سازگار است، نه لازم و نه لزوماً برای شخص متوفی اعتبار بیشتری در بر دارد، اگر مردم اعتباری برای کسی قائل باشند، آنرا بدون این همه تجملات هم نشان می دهند.

میراث علی خامنه‌ای بعد از چند دهه فرمانروایی بر کشور، چیزی بیش از یک کشور فقیرتر، ویرانتر، بازمانده از توسعه، با انبوهی از بحران ها و مشکلات، مردمی اکثراً ناراضی و حکومتی است که در طول



رهبری علی خامنه‌ای پنج جنبش مردمی را در خود ثبت و سرکوب کرده است تا توانسته دوام بیاورد. بی شک یکی از دلایل اصلی وضعیت کنونی کشور ما بواسطه رژیم واپس مانده و ضد دمکراتیک و ناکارآمد فقهاتی و رهبری مستبدانه علی خامنه‌ای و دیدگاه‌های ارتجاعی وی در حکومت داری ست

بهمین جهت با اختصاص بودجه‌های نجومی و تبلیغات پر هزینه از نوعی که در این روزها شاهد آن هستیم نه تنها نمی توان قضاوت و نظر مردم و تاریخ در باره دوران فرمانروایی پر فساد و جنایات خامنه‌ای را دگرگون نمود بلکه این اقدامات به افزایش انزجار عمومی از رژیم فقهاتی منجر خواهد شد.

تجملات و تبلیغات و هزینه‌های این خاک سپاری گمان نمی کنم حتی در مورد مردمی ترین رهبران متوفی در یک قرن اخیر سابقه داشته باشد. دولتمردان جمهوری اسلامی در این مورد نیز نهایت افراط را به عمل آورده‌اند و بالاخره روزی باید از این بابت نیز به مردم حساب پس بدهند.

گانندی بدون شک یکی از برجسته ترین رهبران جهان بوده است. در اینکه دولت هند شاید یک هزارم بودجه خاک سپاری خامنه‌ای را بابت مراسم وداع با گانندی خرج نکرده است، تردید ندارم. این را از سادگی محل دفن گانندی در نیو دهلی که در یک محوطه پارک مانند قرار دارد و تنها تزئینات آن یک مشعل روشن است می شود تشخیص داد. عملکرد و نتایج رهبری گانندی در هند و محبوبیت وی نیز با خامنه‌ای و خمینی قابل قیاس نیست. با این حال از مقایسه بارگاه مجلل خمینی و هزینه‌های سالیانه آن با گور فقیرانه گانندی می توان تفاوتها را فهمید.

گانندی ده‌ها سال زودتر از مردن خمینی به قتل رسیده با این وصف آرامگاه وی معیادگاه همه روزه انسان هایی است که داوطلبانه و با میل و اشتیاق به دیدار گور گانندی می‌روند. بنا بر این پول و تجملات و ریخت و پاش به خودی خود برای کسی محبوبیت بوجود نیاورده و نمی آورد.

با این حال از وضعیتی که بعد از ترور علی خامنه‌ای بوجود آمده، به رغم انتصاب فرزند او بعنوان ولی فقیه سوم به نظر می رسد دوران رژیم فقهاتی که کم شباهت به رژیم سلطنتی نیست بسر آمده و با وجود تلاش‌های نیروهای ارتجاعی و فاسد برای بر پا نگه داشتن سیستم ناکارآمد و مستبد فقهاتی، این سیستم دوام چندانی پیدا نخواهد کرد و مردم بخصوص نسل جوان نمی توانند بپذیرند که یک طلبه بر راس حکومت کشورشان بنشیند و از چگونگی پوشش زنان ت گرفته تا جنگ و صلح حرف اول و آخر را بزند و به هیچ کس هم پاسخگو نباشد. حتی گروه بزرگی از هواداران رژیم فقهاتی دیگر چنین رژیمی را حاضر نیستند بپذیرند. در واقع دوران رژیم فقهاتی قبل از ترور خامنه‌ای با رویگردانی بخشی از پیروان خود او از رژیم ولایی شروع شده بود. به همین جهت است که کسی به غیر از کسانی در درون رژیم که بدنبال کسب سهم بیشتری از قدرت و ثروت با تظاهر به حمایت از جانشینی وی هستند حرفهای جانشین خامنه‌ای را چندان جدی نمی گیرند

حکومت فقهاتی دستکم به شکل تا کنونی در حال زوال و فناست و امیدوار باشیم که این سیستم نیز مدتی بعد مانند علی خامنه‌ای با همت مردم به گور سپرده شود و جای خود را به رژیمی دمکراتیک و



سکولار که منتخب مردم باشد بدهد. در هر حال بساط رژیم فقاہتی باید از ایران برچیده شود و چنین نیز خواهد شد.

همه با هم برای پایان دادن به جنگ و برقراری صلح و آزادی متحدانه مبارزه کنیم! متحد و متشکل علیه بیکاری و فقر مبارزه باید کرد!

ثبات در نااطمینانی حاد - بخش اول

سازمان بین المللی کار (ILO)



توضیح "جنگ کارگری"

مطلب حاضر ترجمه خلاصه گزارشی است که در ماه ژانویه سال جاری، در باره وضع استخدام و گرایشهای اجتماعی در سال ۲۰۲۵ توسط سازمان بین المللی کار تهیه شده است. اگرچه خود این موضوع فی نفسه جالب است، اما در عین حال بخشی از تصویر بزرگتری است که "جنگ کارگری" در صدد ترسیم آن است: تغییر در ساختار طبقاتی و هویت کارگری.

۱. توقف بهبود کیفیت اشتغال

در سطح جهانی، بهبود کیفیت اشتغال طی دو دهه گذشته کند شده است. بین سالهای ۲۰۱۵ تا ۲۰۲۵، سهم کارگرانی که در فقر شدید زندگی میکردند تنها ۳.۱ واحد درصد کاهش یافت و به ۷.۹ درصد رسید؛ در حالی که در دهه قبل از آن این کاهش ۱۵ واحد درصد بود. این وضعیت باعث شده است که ۲۸۴ میلیون کارگر همچنان در فقر شدید زندگی کنند؛ یعنی با درآمدی کمتر از ۳ دلار آمریکا در روز.

علاوه بر این، نرخ فقر شغلی شدید و متوسط در کشورهای کم درآمد بین سالهای ۲۰۱۵ تا ۲۰۲۵ افزایش یافته است و در سال ۲۰۲۵ نزدیک به ۶۸ درصد کارگران در وضعیت فقر شغلی شدید یا متوسط قرار داشته اند.



نرخ جهانی اشتغال غیررسمی بین سالهای ۲۰۱۵ تا ۲۰۲۵ به میزان ۰.۳ واحد درصد افزایش یافته است، در حالی که پیش از آن، در دهه قبل، کاهش یافته بود. پیش بینی میشود تا سال ۲۰۲۶ حدود ۲.۱ میلیارد کارگر در جهان به صورت غیررسمی مشغول به کار باشند. اشتغال غیررسمی معمولاً با کیفیت پایینتر کار همراه است، زیرا در این مشاغل دسترسی محدودتری به حمایتهای اجتماعی، حقوق کار، ایمنی محیط کار و امنیت شغلی وجود دارد.

این افزایش عمدتاً بازتاب دهنده رشد سهم اشتغال در کشورهایی است که نرخ اشتغال غیررسمی در آنها بالاست، به ویژه در آفریقا و جنوب آسیا؛ بنابراین تلاش برای کاهش اشتغال غیررسمی در این اقتصادها حیاتی است. علاوه بر این، میزان "خوداشتغالی"، که در کشورهای فقیر و متوسط اغلب کم درآمد و از سر ناچاری انجام میشود، بین سالهای ۲۰۱۵ تا ۲۰۲۵ دوباره افزایش یافته است.

کند شدن تحول ساختار اقتصادها به سمت بخشهایی با نیروی کار مولدتر و شرایط کاری بهتر، به عنوان یک مانع اصلی در تضمین پیشرفت پایدار در کاهش کمبودهای کار شایسته عمل میکند. فرایند جابجایی کارگران میان فعالیتهای اقتصادی در طول زمان، طی دو دهه گذشته در سطح جهانی به نصف کاهش یافته است. کند شدن انتقال نیروی کار به سمت بخشهایی با اشتغال رسمی تر و وضعیت کارمندی، نه تنها یکی از عوامل اصلی کاهش سرعت بهبود کیفیت کار در جهان است، بلکه به تضعیف رشد بهرهوری نیز منجر شده است.

ادامه بیکاری بدون نشانهای از تغییر، همراه با افزایش ریسکها

اقتصاد جهانی و بازارهای کار همچنان در برابر عدم قطعیت بالا و تغییرات سیاستی مقاوم باقی مانده اند. رشد تولید ناخالص داخلی (GDP) پیش بینیشده برای سالهای ۲۰۲۵ تا ۲۰۲۷ تقریباً نسبت به چشمانداز سال ۲۰۲۴ تغییر نکرده است. در سال ۲۰۲۵، انحراف و جابجایی مسیر تجارت به کاهش اثر فوری اختلالات تجاری کمک کرد، در حالی که کسب و کارها و خانوارها مصرف و سرمایهگذاری خود را به جلو انداختند؛ روندی که فعالیت اقتصادی را در نیمه نخست سال افزایش داد.

در حالی که افزایش نااطمینانی و کاهش اعتماد کسب و کارها و مصرف کنندگان میتواند بر تقاضای کل فشار وارد کند، انتظار میرود کاهش تورم، سیاستهای مالی و پولی حمایتی، و سرمایه گذاری در تکنولوژی هوش مصنوعی موجب حدودی از رشد در سال ۲۰۲۶ گردند. با این حال، چشم انداز همچنان شامل ریسکهای مهمی مانند افزایش بدهیهای دولتی، نااطمینانی در سیاستهای تجاری و اختلالات ناشی از هوش مصنوعی است. وقوع این ریسکها میتواند پیامدهای قابل توجهی - نه تنها بر چشم انداز رشد اشتغال، بلکه بر ابعاد کلیدی کیفیت کار مانند اشتغال غیررسمی، فقر شغلی و دستمزدهای واقعی - داشته باشد.

رشد کند نیروی کار در نتیجه تغییرات جمعیتی، با وجود رشد ضعیف اشتغال، نرخ بیکاری را تثبیت کرده است. پیش بینی میشود نرخ مشارکت نیروی کار جهانی هر سال حدود ۰.۲ واحد درصد کاهش یابد و تا سال ۲۰۲۷ به ۶۰.۵ درصد برسد. این روند نزولی ساختاری، که بخشی از آن ناشی از افزایش تعداد بازنشستگان در اثر



پیر شدن جمعیت است، بار دیگر تشدید شده زیرا اثر تعدیلی افزایش مشارکت زنان در کشورهای با درآمد متوسط و بالا طی سالهای ۲۰۱۵ تا ۲۰۲۵ متوقف شده است.

نرخ بیکاری جهانی در سال ۲۰۲۵ حدود ۴.۹ درصد برآورد شده که نسبت به سال ۲۰۲۴ تغییری نکرده است و پیش بینی میشود تا سال ۲۰۲۷ در همین سطح باقی بماند. تعداد بیکاران در جهان در سال ۲۰۲۶ حدود ۱۸۶ میلیون نفر پیش بینی میشود، در حالی که شاخص گسترده تر "کماشتغالی" (شکاف شغلی) به ۴۰۸ میلیون نفر خواهد رسید. الگوهای منطقه ای متفاوت اند؛ آمریکای لاتین و کارائیب احتمالاً در میانمدت نرخ بیکاری خود را بیشتر کاهش خواهند داد، در حالی که بیکاری در آمریکای شمالی احتمالاً افزایش خواهد یافت.

رشد اشتغال جهانی که برای سال ۲۰۲۶ حدود ۱.۰ درصد پیشبینی شده، کمی پائینتر از میانگین دهه قبل است و تغییرات جمعیتی نقش مهمی در تفاوت میان کشورها دارد. پیش بینی میشود اشتغال در کشورهای پردرآمد در سال ۲۰۲۶ کاهش یابد، که تغییر شدیدی نسبت به رشد متوسط سالانه ۱.۱ درصدی در دهه ۲۰۱۰ تا ۲۰۱۹ است. کشورهای با درآمد متوسط رو به بالا رشد نسبتاً پایین ۰.۵ درصدی را تجربه خواهند کرد. کشورهای با درآمد متوسط رو به پایین به ۱.۸ درصد رشد خواهند رسید. به لطف رشد جمعیت قوی و ورود گروه بزرگی از جوانان به بازار کار، انتظار میرود اشتغال در کشورهای کم درآمد در سال ۲۰۲۶ ۳.۱ درصد رشد کند، در حالی که میانگین رشد آنها در دوره ۲۰۱۰ تا ۲۰۱۹ حدود ۲.۳ درصد بوده است. با این حال، رشد ضعیف بهره وری و کمبود فرصتهای کار شایسته، خطر آن را ایجاد میکند که این کشورها نتوانند از "سود جمعیتی" بالقوه خود بهره برداری کنند.

در سال ۲۰۲۵، زنان تنها دو پنجم اشتغال جهانی را تشکیل میدادند، که نشاندهنده موانع مهم در دسترسی به اشتغال است. احتمال حضور زنان در نیروی کار ۲۴.۲ واحد درصد کمتر از مردان بود، در حالی که احتمال این که زنان جوان نسبت به مردان جوان – چه به اشتغال، چه به آموزش و چه به مهارت – دسترسی یابند، ۱۴.۴ واحد درصد کمتر بود. نرخ بیکاری جهانی زنان تنها اندکی بالاتر از مردان است، که نشان میدهد زنان بیشتر با موانع ورود به بازار کار مواجه اند تا با مشکل یافتن شغل. علاوه بر این، نرخ شکاف شغلی همچنان برای زنان بالاتر از مردان است و پیش بینی میشود در سال ۲۰۲۶ این شکاف به ۴.۳ واحد درصد برسد. شکافهای جنسیتی در مناطق مختلف بسیار متفاوت است، اما در میان گروه های درآمدی کشورها تفاوت کمتری وجود دارد، که نقش هنجارهای اجتماعی و کلیشه ها را در شکلدهی این الگوها برجسته میکند. همچنین در شکافهای جنسیتی در شاخصهایی مانند کار خانوادگی بدون دستمزد و سهم در فقر شدید کاهش مشاهده نشده است.

کمیته های همیاری را در محل های کار و محل های زندگی تشکیل دهیم!

چاره کارگران وحدت و متشکل شدن در تشکلهای مستقل است!



اصل داستان همین است

صادق



مسعود پزشکیان در روز کارگر امسال فرمانی صادر کرد که با جهتگیری های سیاسی و اجتماعی وی در تضاد قرار داشت. از همین رو دانستن فریبکارانه بودن فرمان پزشکیان مبنی بر حذف واسطه ها از بازار کار و رسمی کردن کارگران شرکت های پیمانکاری که کارگران پیمانی نزدیک به دو دهه برای آن مبارزه کرده بودند چندان دشوار نبود. با این وصف عده ای از عوامل تشکلهای حکومتی که خود با این گونه فریبکاریها بیگانه نیستند، فرمان پزشکیان را در بوق و کرنا کردند تا با فریب کارگران در پیشبرد اهداف نهانی این فرمان مساعدت نمایند. ما در همان موقع با نظر داشت سوابق سیاستهای کارگر ستیزانه حکومت و پزشکیان نسبت به هر نوع خوشبینی در این مورد که قصد کنترل اعتراضات همه روزه کارگران پیمانکاری بویژه در صنعت نفت، گاز و پتروشیمی را داشت هشدار دادیم.

در روز ۱۰ تیر گزارشی در ارتباط با این قضیه در خبرگزاری ایلنا به نقل از یکی از اعضای تشکلهای حکومتی منتشر شد، که گفته های ما را در خصوص این قضیه تأیید می کند. در گزارش که با عنوان (دستور رئیس جمهور برای حذف شرکت های پیمانکاری به جایی نرسید/ پای منافع آفازاده ها در میان است؟) منتشر شد، ایلنا نوشت:

"با گذشت دو ماه از دستور قاطع رئیس جمهور مبنی بر انحلال شرکت های پیمانکاری، شواهد نشان می دهد هیچ اقدام عملی صورت نگرفته است. نماینده کارگران معتقد است این دستور تنها یک «وعده درمانی» برای مدیریت فضای ملتهب جامعه بوده است"

بله اصل داستان همین است. از کوزه برون نترآود غیر از آنچه در اوست. سرنوشت این دستور نظر به سوابق رئیس جمهور محبوب اتاق بازرگانی روشنتر از آن بود که تردیدی در مورد فریبکارانه بودن آن ایجاد کند.

مخبر این گزارش و رفقاییش نیز از نیت این دستور کاملاً مطلع بودند، اما از روی وظیفه ای که حکومت برایشان تعریف کرده است ناگریز بودند تلاش کنند، آن را به عنوان توجه دولت پزشکیان و شرکای اصلاح طلب شان بفروشند تا از گسترش دامنه اعتراضات که دم به دم در حال گسترش و رادیکال شدن بود بکاهند و مجالی برای گذر حکومت ولو بطور موقت ایجاد کنند و در این کار هم انصافاً بواسطه انحصار رسانه ای جریانات موسوم به اصلاح طلب و تشدید فضای اختناق در کشور موفق بودند.



هدف از انتشار این گزارش پر آه و ناله نیز همین است که به کارگران بگویند، رئیس جمهور می خواست، اما آقا زاده نگذاشتند. در اینکه آقا زاده ها و پدرانیشان در این کشور سرخ همه ی امورات مردم را در اختیار دارند و همه ی امکانات و ثروت های کشور را به خدمت خود درآورده اند، ذره ای ابهام وجود ندارد، ولی تلاش برای القاء اینکه رهبران حکومت تافته جدا بافته ای از آقا زاده ها هستند هر چند که دیگر نمی توان آنرا بخورد مردم ایران داد بزرگترین فریب و فرافکنی است. اتفاقاً آقا زاده ها خود مولد سیستم فاسد و ستمگری هستند که رهبران نهادهای اصلی حکومتی از ولی فقیه گرفته تا رئیس جمهور ها در راس همه ی امور آن قرار دارند که با استبداد، سرکوب و فساد و دروغ و فریب از این نظام مراقبت می کنند. بنا بر این اگر این به اصطلاح نماینده کارگر ریگی در کفش نداشت می بایست بجای تلاش برای توجیه سیاستهای ضد کارگری و تبرئه اربابان ستم حقیقت را به کارگران می گفت و آنها را تشویق به تداوم و گسترش اعتصاب برای احقاق حق و حقوق برپاد رفته خودشان می نمود.

برقرار باد آزادی، صلح و عدالت اجتماعی!

ما از مبارزات تبعیض ستیزانه زنان برای برابری با مردان در کار و زندگی حمایت می کنیم!

منوط کردن افزایش دستمزد به گران شدن نان خطا بود

ع امید

تصورش را بکنیم اگر جای کارگرانی بودیم که نان مردم را می پختیم اما خود از آن بهره چندانی نمی بردیم چه حال و روزی پیدا می کردیم. یاقتی که قیمت نان پیاپی افزایش پیدا می کرد اما دستمزد مان مانند کارگران نانوائی ها سالها به رغم افزایش تورسمزد کارگران را اجرا نکردند و گرانی ثابت می ماند کار کردن برایمان در نانوائی چقدر ناگوار بود.

سخت می شود باور کرد که دستمزد کارگران نانوائی سالهاست به این بهانه که افزایش دستمزد باعث گران شدن نان می شود، از افزایش دستمزد آنها حتی آن مبلغ ناچیزی که در شورای عالی کار تصویب می شود امتناع کرد. و سختتر وقتی است که قیمت پیاپی نان تا صد درصد افزایش پیدا کند، اما باز هم با افزایش دستمزد کارگران نانوائی ها مخالفت شود.

بقول عبدالله بلوایی، یک کارگر نانوائی، : "طی سالهای گذشته، افزایش دستمزد کارگران بر اساس یک عرف نادرست به افزایش قیمت نان موکول شده است. این بار نیز قیمت نان افزایش کم سابقه ای را تجربه کرده و این افزایش قیمت به تنهایی با ۵۰ سال اخیر برابری می کند اما همچنان خبری از اصلاح دستمزد کارگران نیست"



قانون کار نصفه نیمه بیش از نیمی از کارگران را تحت پوشش قرار نمی دهد. کارگران کارگاه های زیر ده نفر از شمول قانون کنار گذاشته شده و دست صاحبان کارگاه هایی که کمتر از ده نفر کارگر دارند برای انواع حق کشی ها باز گذاشته شده است.

هم از این روست که سالها قانون افزایش دستمزد مطابق نرخ تورم سالیانه و هزینه سبد مواد غذایی در مورد کارگران نانوائی ها اجرا نمی شد و به بعد از افزایش قیمت نان حواله داده می شد. چند هفته پیش دوباره قیمت نان یک شبه صد درصد افزایش داده شد، با این حال دولت و کارفرمایان هنوز حاضر به افزایش دستمزد کارگران نانوائی ها نشده اند.

البته خیلی از شرکتهای مشمول قانون کار نیز از افزایش دستمزد سالیانه کارگران خود طفره می روند و بدتر از آن مزایای مزدی سال گذشته کارگران را نیز با اجازه خودشان قطع کرده اند.

یعنی دستمزدها و دریافتی کارگران را بجای افزایش کاهش داده اند و همان دستمزدهای خجالت آور را نیز بطور مرتب با تاخیر پرداخت می کنند و مواردی پیش آمده که کارگرانی را که به علت نگرفتن سه ماه دستمزد اعتصاب کرده اند از کار اخراج نموده اند. دولت نیز از این اعمال خلاف قانونی کارفرمایان و فشار روزافزون به کارگران حمایت می کند.

اما تفاوت میان دستمزد کارگران نانوائی ها با سایرین مربوط به امسال نیست یک تفاوت چند ساله است. صاحبان نانوائی ها اما با وجود افزایش صد درصدی قیمت نان با اینکه دیگر بهانه ای برای افزایش دستمزدها ندارند، اما طمع کارانه همچنان از افزایش دستمزد امسال طفره می روند و خیالشان هم از این بابت که دولت و رئیس جمهور نهج البلاغه خوان و وزیر کار مدعی اصلاح طلبی دولت و سایر نهادهای ریز و درشت حکومتی نیز در هر حال و شرایط مگر در شرایط قیام جانب آنها را خواهند گرفت راحت است. بله زمانی که کارگر تشکل مستقل نداشته باشد، اول از قانون کنارش می گذارند، بعد حق و حقوق مکتسبه اش را از او می گیرند، سپس نان سفره اش را با کاهش دستمزد اش و گران کردن هزینه ها نصف می کنند

کارگران نانوائی ها زمانی که سندیکا داشتند و رهبران شان مستقل بودند با نفوذی که در میان کارگران داشتند می توانستند با استفاده از پشتوانه کارگری خود از حقوق خود دفاع کنند. آن وضعیت در اثر سرکوب سندیکا ها و مشارکت شوراهای اسلامی حکومتی در سرکوبها تضعیف و به کارفرمایان و دولت امکان داد کارگران را با از بین بردن حقوق شان و سرکوب به فلاکت امروزی بکشانند.

منوط کردن افزایش دستمزد به گران شدن قیمت نان خطایی بود که در غیاب سندیکاها به کارگران تحمیل شد. کارگران نباید زیر بار آن می رفتند و کارفرمایان را بد عادت می کردند. حالا نیز تنها راه احقاق حق و حقوق کارگران احیای سندیکا های مستقل و واقعی است.

**از مبارزات کارگران پیمانی برای برچیدن بساط شرکتهای پیمانکاری و تغییر قرارداد
های موقت به رسمی حمایت کنیم!**



همه ی کارگران باید تحت پوشش قوانین کار و تامین اجتماعی قرار بگیرند!



تجلیل معلمان از عبدالفتاح سلطانی و معصومه دهقان

جمعی از معلمان شاغل و بازنشسته و فعالان صنفی معلمان در یک گردهمایی، به تجلیل از عبدالفتاح سلطانی وکیل مبارز و معصومه دهقان از فعالان صنفی معلمان پرداختند.

در این گردهمایی صمیمانه حاضران با یادی از فداکاری های عبدالفتاح سلطانی و معصومه دهقان در پیشبرد پروسه دموکراسی خواهی در ایران و کمک به پایداری جامعه مدنی بر قدردانی جامعه ایرانی از این دو مبارز ارزشمند تاکید کردند [# عبدالفتاح سلطانی](#) [# معصومه دهقان](#)



یانیه کانون صنفی معلمان اسلامشهر در محکومیت انتقال مسعود فرهیخته به سلول انفرادی و قطع تماس و محرومیت از ملاقات

آزادگی، البته جامه ایست که هرگز به قامت ناراست شما درازدستان کوتاه فکر زینده نیامد. گویا به هیچ راه راست و حرف حقی باورمند نیستید. سلیلی محکمی که برصورت حیثیت نداشته تان فرود آمد نیز بیدارتان نکرد. مگر مسعود فرهیخته چه کرده بود که سزاوار سلول انفرادی شد؟ از چه می ترسید؟ از اینکه حاضر نشد در بیدادگاهتان حاضر شود به تشویش افتاده اید. عده ای امید داشتند که محض حفظ ظاهر هم که شده، از شدت سرکوب، بکاهید و کمی بر مدار و مسیر منطق و انسانیت بگردید و چه ساده انگار بودند آنان که می پنداشتند آنچه از وفاق و ایرانی بودن و یک دلی و مدارا و گردآمدن زیر یک پرچم و یک نام می گفتید به حقیقت نزدیک خواهد شد. چه بد حاکمانی هستید! همیشه دروغ گفته اید و همواره تیشه به ریشه نازک اعتماد ملی زده اید. همه کسانی که مسعود فرهیخته را می شناسند نیک می دانند که او ازین خشم و غضب ها بیمناک نخواهد شد و سر بر آستان تسلیم و خواهش نخواهد نهاد. تحمل حبس انفرادی مصداق شکنجه است و معلم را شکنجه کردن، بی آنکه سزاوارش باشد تنها از حکمرانانی نادان بر می آید. شرط بلاغ با شما گفتن خشت بر آب زدن است. ما معلمان را امیدی به بیداری وجدان شما نیست. این بیانیه جهت



ثبت در یادها نوشته شده است تا همه بدانند ما جز اجرای حق نخواستیم و شما بیدادگران جز ستم، هیچ نکردید. ما هشدار می دهیم که ادامه این همه اجحاف و نقض حقوق زندانیان ثمری جز سنگین تر شدن بار جرم و گناه برای شما ندارد و روسیاهی همیشگی، سایه وار باشما خواهد ماند.

در پایان از همه معلمان و هم وطنان آزاده ای که برای مسعود فرهیخته و دیگر معلمان دربند هر نوع حمایتی به کار بسته اند سپاسگزاریم و از معدود دست اندرکارانی که هنوز غرقه ی منجلاب ستمکاری نشده اند می خواهیم خویشتن را از آن گرداب برهاند و در استیفای حقوق زندانیان تحت ستم از هیچ کمکی دریغ ننمایند.

فردا که پیشگاه حقیقت شود پدید

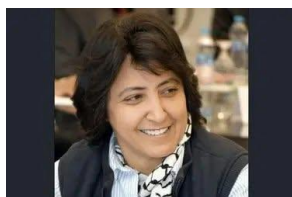
شرمنده رهروی که عمل بر مجاز کرد

تیرماه ۱۴۰۵ شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان ایران

🔴 فقط کف خیابون، به دست صبار خفون،
خیابان سنگر است؛ مبارزه تا تحقق مطالبات ادامه دارد.
تان و آزادی از هم جدایی ندارند؛ هیچ کدام بدون دیگری محقق
نمی شود.
مطالبات ما: ➤ بهبود معیشت و افزایش قدرت خرید کارگران و
زحمت کشان
➤ افزایش دستمزدها متناسب با یک زندگی شایسته
➤ مهار آموزش، گرانی و تثبیت قیمت کالاهای و خدمات اساسی
➤ ایجاد فرصت های شغلی و مقابله با بیکاری
➤ کنترل و کاهش اجاره های مسکن؛ مسکن حق همگانی است
➤ آموزش، درمان و خدمات اجتماعی رایگان و همگانی
➤ حق اعتراض، حق اعتصاب و حق ایجاد تشکلهای مستقل
کارگری
➤ پایان دادن به بازداشت و زندانی کردن معترضان؛ اعتراض حق
همگانی است
➤ پایان دادن به فضای امنیتی و ناامنی اجتماعی
➤ مبارزه با فساد، چاقول و طارت منابع عمومی
➤ رفع تبعیض، نابرابری، ستم و استثمار
➤ توزیع عادلانه ثروت و تحقق عدالت اجتماعی
تان، کار، آزادی، زندگی شایسته، حق همگان است.
ناوود یاد بندگی، زنده یاد زندگی!
#تان-کار-آزادی #شادی-رفاه-آبادی

برگزاری اعتراض خیابانی بازنشستگان در شوش

بازنشستگان تامین اجتماعی در روز یکشنبه ۱۴ تیر با برگزاری تجمع اعتراضی بار دیگر بر تداوم اعتراضات خود تا رسیدگی به مطالبات خود تاکید کردند و تعرض حکومت به قوانین تامین اجتماعی را محکوم و خواهان توقف تعرض به حقوق بازنشستگان و عملی کردن مطالبات بازنشستگان شدند



نگرانی از بازداشت یک رهبر کارگری سرشناس در لیبی



کنفدراسیون بین‌المللی اتحادیه‌های کارگری (ITUC) نگرانی خود از بازداشت و ادامه فشار بر نرمین الشریف، رئیس فدراسیون سراسری اتحادیه‌های کارگران صنایع لیبی اعلام کرد.

به گزارش ایلنا و به نقل از پایگاه خبری ITUC، کنفدراسیون بین‌المللی اتحادیه‌های کارگری، در بیانیه‌ای، خواستار حفظ سلامت و آزادی فوری «نرمین الشریف»، رهبر اتحادیه کارگران صنایع لیبی شد.



ادامه اعتراض کارگران «ایران برک»/ نه حقوق گرفتیم، نه بیمه بیکاری داریم!

در حالی تجمع اعتراضی کارگران «ایران برک» ادامه دارد که این کارگران می‌گویند به دلیل واریز نشدن حق بیمه‌ها، حتی امکان دریافت بیمه بیکاری را هم ندارند.

به گزارش خبرنگار ایلنا، اعتراضات کارگران کارخانه «ایران برک» در مقابل این واحد تولیدی، در حالی به ششمین روز پیاپی خود رسید که کارگران می‌گویند در این مدت تنها وعده‌های غیرعملی شنیده‌اند و مدیریت پاسخ روشنی به مطالبات آن‌ها نمی‌دهد.

به گفته کارگران معترض، در پیگیری‌های شش روز گذشته، پاسخ مناسبی برای حل بحران معیشتی و شغلی آن‌ها ارائه نشده است. آن‌ها با اشاره به تداوم بلاتکلیفی خود تاکید دارند: «مدام به ما وعده بازگشت به کار و حل مشکلات را می‌دهند، اما این حرف‌ها در حد شعار باقی مانده و در عمل هیچ اراده‌ای برای پرداخت معوقات یا تعیین تکلیف وضعیت شغلی ما وجود ندارد.»

این تجمع در ادامه اعتراض به رویه مدیریت مجموعه است که به گفته کارگران، از ابتدای سال ۱۴۰۵ کارگران با سابقه را خانه‌نشین کرده و برای فرار از پرداخت حق بیمه و کاهش هزینه‌ها، نیروهای بازنشسته را جایگزین آن‌ها کرده است؛ روندی که از ۱۶ ماه پیش آغاز شده و امنیت شغلی نیروی کار این کارخانه را از بین برده است.

یکی از مهم‌ترین دغدغه‌های فعلی این کارگران، علاوه بر ماه‌ها حقوق معوقه، وضعیت بحرانی سوابق بیمه‌ای آن‌هاست. واریز نامنظم حق بیمه‌ها موجب شده کارگران حتی امکان استفاده از مقرری بیمه بیکاری را هم نداشته باشند.

در حالی که کارگران به دلیل پرداخت نشدن حقوق‌هایشان در تامین حداقل‌های معیشتی خود با مشکل مواجه‌اند، ابهامات مالی در خصوص درآمدهای کارخانه همچنان به قوت خود باقی است. کارگران معترض با اشاره به واگذاری یکجای فروش پارسال کارخانه و انتقال چک‌های آن به دفتر یکی از سهامداران ارشد، این



سوال را مطرح می‌کنند که وقتی کارخانه درآمد داشته و محصولاتش به فروش رفته، چرا مطالبات قانونی نیروی کار باید همچنان پرداخت نشده باقی بماند؟



صدور حکم زندان برای رضا مسلمی، فعال صنفی معلمان، و تشدید برخوردهای امنیتی و قضایی را محکوم می‌کنیم

سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه صدور حکم زندان برای رضا مسلمی، معلم و فعال صنفی، که توسط شعبه دوم دادگاه انقلاب استان همدان در تاریخ ۹ تیر ۱۴۰۵ صادر شده است، را قویاً محکوم می‌کند.

بر اساس حکم ابلاغ شده به وکیل ایشان، آقای مسلمی به اتهام «اجتماع و تبانی علیه امنیت کشور» به سه سال و شش ماه و یک روز حبس و به اتهام «تبلیغ علیه نظام جمهوری اسلامی» به هفت ماه و شانزده روز حبس محکوم شده است؛ در حالی که از اتهام «تشکیل گروه غیرقانونی» تبرئه شده است. این حکم بدوی بوده و طی بیست روز قابل اعتراض است.

در روزهای اخیر تعدادی از دیگر فعالان معلمی و کارگری در شهرهای مختلف بازداشت یا به حبس و ممنوع‌الخروجی محکوم شده‌اند. همچنین، مطلع شدیم مسعود فرهیخته، معلم زندانی، به سلول انفرادی منتقل شده است.

سندیکای کارگران شرکت واحد تأکید می‌کند که فعالیت صنفی، حق مسلم و غیرقابل انکار کارگران، معلمان و تمامی مزدبگیران است و پیگیری مطالبات صنفی، اعتراض به وضعیت معیشتی، یا تلاش برای بهبود شرایط اقتصادی و اجتماعی، نباید با برچسب‌های امنیتی مواجه شود. صدور چنین احکامی نه تنها ناقض اصول بنیادین آزادی تشکلیابی و حق اعتراض است، بلکه تلاشی آشکار برای ایجاد فضای رعب و جلوگیری از همبستگی میان نیروهای کار و زحمت در کشور است.



ما بار دیگر یادآور می‌شویم که سرکوب فعالان صنفی، زندانی کردن معلمان، کارگران و پرستاران، و امنیتی‌سازی مطالبات اجتماعی، نه راه‌حل مشکلات است و نه مانع شکل‌گیری اعتراضات؛ بلکه تنها بر عمق بحران‌های موجود می‌افزاید.

سندیکا خواستار لغو فوری و بی‌قید و شرط حکم زندان علیه رضا مسلمی و پایان دادن به پرونده‌سازی علیه فعالان صنفی در سراسر کشور است. سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه ضمن اعلام همبستگی کامل با معلمان و تشکلات مستقل معلمان در سراسر کشور تأکید می‌کند که دفاع از حقوق معلمان، کارگران و تمامی زحمتکشان، دفاع از کرامت انسانی و آینده جامعه است.

چاره کارگران و زحمتکشان وحدت و تشکیلات است!

سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه ۱۱ تیر ۱۴۰۵

متحد و متشکل علیه سیاستهای ریاضت کشانه حکومت مبارزه باید کرد!

از مبارزه کارگران شاغل و بازنشسته برای افزایش دستمزد و حقوق بازنشستگی حمایت کنیم!

مبارزه برای آزادی زندانیان مدنی و سیاسی و لغو قانون اعدام را تشدید کنیم!

*** برای تماس با نشریه "جنگ کارگری" می‌توانید با آدرس زیر تماس بگیرید:**

*** "جنگ کارگری" نشریه گروه کار کارگری حزب چپ ایران را می‌توانید در آدرس زیر ببینید:**

<https://bepish.org/taxonomy/term/457>